

ولایت فقیه در اندیشه شیخ فضل الله نوری

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ ساعت ۱۷:۰۷

شیخ فضل الله نوری عمیقا باور داشت که حکومتی که در دست غیرمعصوم باشد به هیچوجه مشروعیت ندارد. او در جایی گفته است: «قوانين جاریه در مملکت نسبت به نوامیس الهیه از جان و مال و عرض مردم باید مطابق فتوای مجتهدین عادل هر عصری که مرجع تقلید مردم‌اند باشد...»

موضوع ولایت فقیه، یکی از موضوعات اساسی و چالش‌برانگیز در اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نوری است. دلیل استفاده از اصطلاح چالش‌برانگیز این است که برخی از محققان معتقدند شیخ از مخالفان ولایت فقیه بود و به نوعی به جدایی سیاست از حکومت باور داشت. اما مخالفان با رد این ادعا، استدلال می‌کنند که شیخ یکی از حامیان سرسخت ولایت فقیه بود. بر این اساس ما به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که دیدگاه واقعی شیخ فضل الله نسبت به موضوع ولایت فقیه چه بود؟ پاسخ این سوال بعد از بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان داده شده است.

شیخ فضل الله با اندیشه ولایت فقیه مخالف بود

گروهی که معتقدند شیخ فضل الله با اندیشه ولایت فقیه مخالف بود استدلال می‌کنند که او حکومت سلطنتی را جایز می‌دانست. از نظر شیخ، حکومتی که به حکومت اسلامی نزدیک باشد، از مشروعیت بیشتری نسبت به سایر حکومت‌ها برخوردار است. از این رو فرقی نمی‌کند مجری این حکومت، حاکم اسلامی باشد یا غیر. همین که حاکم بتواند به اجرای عدالت بپردازد و از بار ظلم و تعدی نسبت به مردم کم کند، مشروعیت لازم را دارد. این گروه همچنین معتقدند شیخ در هیچ یک از آثار خود از ولایت فقیه صحبتی نکرده است و حتی «مشروعیت سلطان را هم مشروط به اذن فقیه و محتاج اجازه او نمی‌داند، بلکه همین قدر که قدرت سلطان باعث حفظ اسلام و حرمت علماء شود، کافی است! وی در پاسخ به پرسشی درباره حکومت و وکالت چنین می‌نویسد: معنای وکالت چیست موکل و موکل فیه چیست؟ اگر از مطالب امور عرفیه است این ترتیبات دینیه لازم نیست، اگر مقصد امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت، و ولایت در زمان غیبت امام زمان (عج) با فقهاء و مجتهدین است». [۱]

شیخ فضل الله از حامیان اندیشه ولایت فقیه بود

برخلاف گروه اول که استدلال‌های کمی برای اثبات مخالفت شیخ فضل الله با موضوع ولایت فقیه دارند، گروه دوم دلایل بیشتری برای اثبات دیدگاه خود ارائه کرده‌اند. استدلال این گروه بر مکتوبات و آثار شیخ فضل الله است که در آن‌ها به طور ضمنی یا مستقیم به اندیشه ولایت فقیه پرداخته است. یکی از استدلال‌های مهم این گروه استناد به نامه اعتراض‌آمیز شیخ فضل الله نوری

به شاه هستند که در آنجا شیخ ضمن انتقاد به اقدامات شاه، نواب امام را مسئول بر حذر کردن پادشاه از هر گونه فتنه دانسته است. در بخشی از این نامه آمده است: «اعمام همایونی با گنج‌های قارونی، خود را به کناری کشیده‌اند. رجال دولت همه مدهوش «کَأَنَّهُمْ حُشْبُ مُسَنَّدَه»! پادشاه اسلام پناه، خود نیز غافل است یا متفالف، نمیدانیم! ... بر شماها ای نواب امام و ای حضور اسلام که خود را عنده‌الله و عند الرسول موقوف و مسئول می‌شناسید، واجب است که پادشاه را از عاقبت این فتنه تحذیر بکنید، بلکه خاطر خطیر را تکدیر بفرمایید که...»^[۲]

گذشته از این به اعتقاد این گروه، هر جایی که شیخ فضل الله از سلطنت صحبت کرده است، قطعاً منظور سلطنت حکام غیردینی یا غیرمسلمان نبوده است بلکه سلطنت معصوم است که مروج واقعی و مجری حقیقی احکام است و همچنین نواب ایشان - ولایت فقهاء «و الا اگر این گونه نبود و منظور از سلطنت مذکور، سلطنت سلطان مستبد بود شیخ در آخر همان رساله و نیز در باغ شاه در خطاب به شاه با حضور بزرگان از علماء به طور صریح فتوا نمی‌دادند که هر کس با این وضعیت و این مشروطه اروپایی همراهی کند چنانی آدمی مرتد است و احکام اربعه مرتد بر او جاری است هر که باشد از عارف یا عامی، از اولی الشوکة یا ضعیف، هذا هو الفتوى و الرأى... و عليه حکمت و الزمت فرحم الله من اعن الاسلام و اهلة.»^[۳]

شیخ فضل الله نوری عمیقاً باور داشت که حکومتی که در دست غیرمعصوم باشد به هیچ‌وجه مشروعیت ندارد. او در جایی گفته است: «قوانين جاریه در مملکت نسبت به نوامیس الهیه از جان و مال و عرض مردم باید مطابق فتوای مجتهدین عادل هر عصری که مرجع تقلید مردم‌اند باشد. و از این رو باید تمام قوانین ملفووف و مطوى گردد و نوامیس الهیه در تحت نظریات مجتهدین عادل باشد تا تصرفات غاصبانه که موجب هزارگونه اشکالات مذهبی برای متدينین است مرفوع گردد و منصب دولت و اجزاء آن از عدليه و نظميه و ساير حکام فقط اجرای احکام صادره از مجتهدین عادل می باشد چنانکه تکلیف هر مکلفی انفاذ حکم مجتهد عادل است.»^[۴]

اعتقاد شیخ فضل الله به ولایت فقیه به حدی بود که حتی انتصاب افراد غیرمعصوم بر این مسند را حرام می‌دانست: «مگر نمی‌دانی که اگر غیر از اهل، در این مسند نشست، واجب است منع او از این شغل و حرام است حمایت او؟ مگر نمیدانی که این کار از غیر نواب عام، غصب حق محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟»^[۵] با توجه به این بخش از سخنان شیخ فضل الله می‌توان به خوبی دیدگاه گروه اول را که معتقد بودند شیخ فضل الله حکومت سلطنتی غیرمعصومان را جایز می‌داند، به کلی رد کرد.

و اما استدلال آخر برای اثبات التزام شیخ فضل الله به موضوع ولایت فقیه، تلاش‌های عملی ایشان برای حذف قوانین مخالف با حکومت اسلامی است. بر این اساس شیخ تلاش کرد تا این دغدغه خود را از طریق اصل دوم متمم قانون اساسی پی‌گیری کند که به موجب آن در هیچ عصری از اعصار مواد قانون اساسی نباید هیچ مخالفتی با قواعد و احکام اسلام داشته باشد و مرجع تشخیص موافق و مخالفت هم، علمای اعلام تعیین شده است.^[۶] این تلاش‌ها نیز اصل مهمی بر اثبات اعتقاد شیخ فضل الله به موضوع ولایت فقیه است.

در این مطلب دو دیدگاه مخالف درباره موضوع ولایت فقیه در اندیشه شیخ فضل الله بررسی شد. همانطور که مشاهده شد شیخ فضل الله به استناد سخنان بیشماری که صراحتاً بر ولایت فقیه داشت، یکی از حامیان این موضوع بود. جدا از سخنان صریح و مستقیم ایشان، مخالفت وی با مشروطه را که از نظر ایشان در مغایرت با احکام اسلامی بود می‌توان دلیلی دیگر برای اعتقاد ایشان به ولایت فقیه دانست.

[۱] - محمدعلی قاسمی، ولایت سیاسی فقیهان، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۲، صص ۷۳-۷۴

[۲] - سید ابراهیم معصومی، حسین ارجینی، علی هاشمزاده کوشک قاضی «ولایت فقیه در اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نوری» سپهر سیاست، سال ۷، شماره ۲۵، (۱۳۹۹)، ص ۸۷

[۳] - علی احمدی خواه (کوهناری)، «ولایت فقیهان از دیدگاه شیخ فضل الله نوری (بررسی دیدگاه‌های مخالف و مختار)» حکومت اسلامی، سال بیست و یکم، شماره اول، (بهار ۱۳۹۵)، ص ۱۲۷

[۴] - حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، تهران ، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷

[۵] - محمدرضا طاهری، مبانی، پیشینه و ادله اثبات مباحث به هم پیوسته «ولایت الهیه»، «حکومت اسلامی» و «ولایت فقیه»، جلد ۲، خراسان رضوی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱

[۶] - جریان‌های فکری مشروطیت: مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و ضمایم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۶۵-۶۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۴۹۶۲۷>